

# فرهنگ بزرگ فارسی - انگلیسی

سلیمان حیم

دارای متجاوز از پنجاه هزار لغت مفرد و مرکب و اصطلاحات و امثال  
فارسی و معادل انگلیسی آنها با تلفظ لغات به حروف انگلیسی  
به ضمیمه بحث کافی از کلیه نکات صرف و نحوی فارسی



فرهنگ معاصر  
تهران ۱۳۸۷

- سرشناسه: حمیم، سلیمان. ۱۲۶۶-۱۳۳۸  
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ بزرگ فارسی-انگلیسی: دارای متجاوز از پنجاه هزار لغت مفرد و مرکب و اصطلاحات و امثال فارسی و معانی انگلیسی آنها با تلفظ لغات ... / سلیمان حمیم. [ویراست جدید]. ویراستار فاطمه آذر مهر: دستیار نسیم سلطانزاده
- مشخصات نشر: تهران: فرهنگ معاصر. ۱۳۸۷.  
مشخصات ظاهری: بیست و سه + ۱۱۴۱ ص.  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: S. Haim. The Large Persian English dictionary.
- یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار در سال ۱۳۴۱ با عنوان فرهنگ جامع فارسی-انگلیسی: دارای متجاوز از پنجاه هزار لغت مفرد و مرکب و اصطلاحات و امثال فارسی ... توسط نشر بروخیم در ۲ جلد منتشر شده است.
- عنوان دیگر: فرهنگ جامع فارسی-انگلیسی: دارای متجاوز از پنجاه هزار لغت مفرد و مرکب و اصطلاحات و امثال فارسی ...
- موضوع: فارسی - واژه نامه ها - انگلیسی  
رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ج ۹۵ / ف ۱۶۲۵ / PE  
رده بندی دیویی: ۴۲۴ / ق  
شماره کتابخانه ملی: ۱۳۱۲۶۵۹



فرهنگ معاصر

۲۵ خیابان دانشگاه، تهران ۱۳۱۲۷۶۲۶۶۸

تلفن: ۶۶۶۵۵۵۲۰ - ۶۶۹۵۲۶۲۲ - فکس: ۶۶۶۱۷۰۱۸

E-mail: [info@farhangmoaser.com](mailto:info@farhangmoaser.com)

Website: [www.farhangmoaser.com](http://www.farhangmoaser.com)

---

### فرهنگ بزرگ فارسی - انگلیسی

حییم، سلیمان

ویراستار: فاطمه آذر مهر

دستیار: نسیم سلطانزاده

نظارت چاپ: سیاوش موسایی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: مهری فرخنده‌پور

با تشکر از:

آزاده فهیم‌هاشمی، الهه وطن‌خواهی، حامد کنی

چاپ اول: ۱۳۸۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: چاپ فرهنگ معاصر

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده بازرگانی از این فرهنگ اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و یا تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً، ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

به پاس حق‌شناسی از کار فرهنگی زنده‌یاد سلیمان حمیم و به خاطر ارزش تاریخی این مقدمه، آن را به همان صورتی که بود حفظ و چاپ کرده‌ایم.

## دیباجه [مؤلف]

هنگامی که فرهنگ جامع انگلیسی به فارسی طبع می‌شد و هم پس از چاپ و انتشار آن، عموم اشخاصی که به آموختن زبان انگلیسی علاقه‌مند و به مراجعه به فرهنگ آشنا بودند و ضمناً سبک لغت‌نویسی این بنده ناچیز را می‌پسندیدند، برای تألیف فرهنگ دیگری از فارسی به انگلیسی که به نظر ایشان مفیدتر و لازم‌تر می‌آمد خیلی بی‌تابی و اظهار اشتیاق می‌کردند تا بالاخره اینجانب با مسئلت تأیید آسمانی پا به مرحله اقدام گذارده با ناشرین فرهنگ انگلیسی به فارسی داخل گفتگو شدم و آنها را به طبع و انتشار یک چنین فرهنگی حاضر نمودم.

## اشکالات مخصوص

تألیف فرهنگ فارسی به انگلیسی اشکالات مخصوصی داشت که نویسنده در موقع تألیف فرهنگ انگلیسی به فارسی با هیچ یک از آنها مواجه نشده بود. بعضی از این اشکالات ذیلاً به طریق اختصار نوشته می‌شود:

اولاً در تألیف فرهنگ انگلیسی به فارسی مؤلف برای جمع‌آوری و ترتیب لغات زحمتی نداشت جز آنکه آنها را از روی فرهنگ‌های حاضر و آماده انگلیسی استنساخ و به فارسی صحیح ترجمه نماید. اما در موقعی که بنیاد این کتاب گذاشته می‌شد، هیچ فرهنگی که حاوی لغات امروزه زبان اهالی ایران باشد در فارسی وجود نداشت زیرا زبان امروزه ایران آمیخته است از فارسی و عربی و ترکی و یک مقدار لغات اروپایی و غیره و هیچ یک از فرهنگ‌هایی که تاکنون برای زبان فارسی نوشته‌اند از قبیل برهان قاطع و بهار عجم و فرهنگ انجمن آرای ناصری و غیاث‌اللغات و غیره نماینده این زبان آمیخته نیستند. بعضی از آنها چون برهان قاطع که یکی از معروف‌ترین فرهنگ‌های فارسی به شمار می‌رود، جز لغات فرس قدیم که اصلیت بسیاری از آنها هم مشکوک است چیز دیگری ندارند و لغات فارسی متداوله امروز هم در آنها به‌طور کلی دیده نمی‌شود (و طبیعی است که نباید دیده شود). بعضی دیگر که دارای لغات فارسی و عربی هر دو هستند یا از حیث ترتیب لغات به طریق الفباء ناقص و یا از حیث شماره لغات به قدری محدودند که چندان مورد استفاده نمی‌توانند بود. ثانیاً به واسطه فقدان یک فرهنگ ملی فارسی که مانند لاروس فرانسه و یا وبستر انگلیسی لغات را به‌طور واضح تعریف کرده باشد مؤلف را در بسیاری از موارد دو مشکل در پیش بود: یکی فهمیدن و محقق نمودن اصل معنی لغت و دیگر پیدا کردن معنی خاص آن در انگلیسی. از قرار معلوم هر کس و هر دسته یک لغت

بخصوص را مطابق نظر و سلیقه و یا مسوعات خود معنی می‌کرد و از همین جهت بسی اتفاق می‌افتاد که در موقع شور در یک لغت اختلافات زیادی در بین اشخاص طرف مشاوره پیدا می‌شد و نه تنها این‌گونه اختلافات نسبت به معانی لغات رُخ می‌داد بلکه برای هر اصطلاح و ضرب‌المثل و غیره نیز تغییرات و توضیحاتی مختلف به دست می‌آمد. روزی به خاطر دارم من باب امتحان از رفیقی پرسیدم «خودفروشی» یعنی چه؟ بی‌درنگ جواب داد «فداکاری»، که خیلی باعث تعجب اینجانب گردید. اتفاقاً مرد مسن‌تر و ظاهراً مجرب‌تری فرا رسید و مدعی از او تصدیق جواب خود را خواستار شد. با اینکه گمان نمی‌بردم کسی غیر از آن رفیق در این معنی به غلط رفته باشد آن شخص ثالث نیز گفت «خودفروشی یعنی فداکاری» و صدچندان بر شگفت من افزود و هرچه گفتم «خودفروشی» به‌طور اکثر به معنی «خودنمایی و تمجید از خود» استعمال شده مدعی همچنان در عقیده خود مصر بود تا اینکه شخص فهمیده‌تری وارد شده با این دلیل ساده هر دوی آنها را متقاعد ساخت که «فداکاری» وقف خویشتن است در مقابل هیچ ولی «خودفروشی» انتظار چیزی است در ازای فروختن خویش. اینست یکی از نتایج فقدان فرهنگ ملی که باید میزان و مرجع زبان یک ملتی باشد.

ثالثاً پیدا کردن مأخذ صحیح بسیاری از لغات بیگانه و مستعمله در فارسی یعنی ذکر این‌که از چه زبانی اقتباس شده و اصل آنها به چه شکل بوده تا یک اندازه خالی از اشکال نبود؛ از آن جمله است ترمز و اشکاف و چرتکه و آتشقه و اشبون (اصطلاح مطبوعه) متعلق به زبان روسی و اسکله و بالیوز و جیرو (اصطلاح تجار) از ایتالیایی و اوغور و اراقیطون (که اسم گیاهی است) از لاتین و پیاله از یونانی و ایلول (ماه رومی) از سریانی و چلوار که در اصل چهل یارد بوده و جرجیس و دقیانوس که معرب ژرژ و دسیوس بوده از انگلیسی و صدها کلمات خارجی دیگر.

### لغات عربی

برای استعمال لغات عربی در فارسی اصولاً حدودی تعیین نشده است زیرا مصادر و سایر اوزان عربی را از ابتدای نفوذ عرب بدون هیچ حدود و قیودی در فارسی به کار برده‌اند و هر نویسنده‌ای اعم از شاعر و مورخ و غیره هر لغتی در عربی به نظرش رسیده به جهت تفنن یا جهات دیگر در کلام فارسی خود استعمال نموده است و در هر حال امروزه زبان عربی در فارسی بومی شده و حکم ریشه‌های لاتین و یونانی را در السنه اروپایی پیدا کرده است. باری مؤلف حتی الامکان لغات عربی متداول را که در کتب ادبی و تاریخی دیده و در حدود اطلاعات او بود در این فرهنگ درج نموده و حتی یک عده لغات عربی دیگر هم که از حدود اطلاعات او خارج بود چون در بعضی فرهنگ‌ها به نظر رسیده بود از لحاظ جامعیت این فرهنگ در آن جای داد ولی باید اقرار کرد که صدها مصادر و اوزان عربی دیگر هست که نویسندگان ایرانی در کلام خود آورده (و هنوز هم جلو آنها را نمی‌شود گرفت که نیاورند) که به واسطه غرابت آنها یا عدم گنجایش این فرهنگ مؤلف پیرامون آنها نگر دیده است.

## لغات فارسی

در نوشتن لغات فارسی نیز از افراط و تفریط احتراز شده، یعنی هرچند تمامی لغات که در برهان قاطع یا سایر فرهنگ‌های فارسی به نظر می‌رسد در این فرهنگ درج نشده لکن بیشتر لغات فارسی که صاحبان فرهنگ‌های مختلف در وجود آنها متفق بوده و برای هر یک اقلأ یک مورد می‌توان از ادبیات فارسی ایراد کرد و چندان غریب و مشکوک هم به نظر نمی‌آید در این دو جلد محدود درج گردید تا برای ایرانی و غیرایرانی هر دو مفید باشد. اگر مؤلف می‌خواست هرچه در فرهنگ‌های قدیمی نوشته‌اند اقتباس کند دیگر این فرهنگ کنجایش لغات متداوله امروزی را نداشت و لازم می‌آمد که یک برابر دیگر به قطر یا به تعداد جلدهای آن افزوده شود زیرا آن فرهنگ‌ها که آن همه لغات کمیاب در آنها درج شده لغات معمولی و متداول فارسی را دارا نمی‌باشند. فرضاً هم اگر از بعضی از آنها ذکری شده باشد در جلو آنها عبارتی از قبیل «معروف است» یا چیزی شبیه به آن نوشته‌اند یعنی این کلمات متعارفی محتاج به تعریف نیست!!

## لغات اروپایی و غیره

دخول لغات اروپایی در فارسی بیشتر بر اثر احتیاج یا تابع مقتضیات بوده است زیرا فارسی هم مانند سایر زبان‌های زنده دنیا هر وقت احتیاجی داشته به وسیله اقتباس از زبان‌های دیگر رفع کرده است. گاهی لغات سماور و استکان و غیره را از روس‌ها گرفته که حالیه کمتر اشخاص فکر می‌کنند که لغات بیگانه باشد و گاهی لغات تلگراف و تلفون و اتوموبیل را که از اختراعات فرنگی‌ها به دست آمده عاریه کرده و از طرف دیگر لغات زیادی به سایر زبان‌ها داده است و این مبادله در میان بسیاری از ملل معمول است و مادامی که برای رفع احتیاج باشد چندان قبیحی ندارد. مقصود از احتیاج آن است که مفهوم لغت اروپایی چیزی باشد از اختراعات خاص اروپاییان که ترجمه لغت آن به فارسی یا عربی گنگ یا غیرطبیعی به نظر آید؛ مثل لوکوموتیو و تلگراف و صدها کلمات دیگر. فرض کنیم تلگراف را هم به قول گروهی «دورنویس»<sup>۱</sup> یا چیز دیگر ترجمه کردیم گذشته از این که در مشتقات دیگر از قبیل تلگرافی و تلگراف کردن و غیره به زحمت می‌افتیم دچار یک کاری خواهیم شد که هیچ لطف و ضرورتی ندارد. اما جایی که گوینده و نویسنده دچار اضطرار نباشد آوردن لغات اروپایی گاهی ناشی از بی‌اطلاعی از زبان فارسی و گاهی مبنی بر اظهار فضل و خودنمایی است (آن هم خودنمایی غلط) و همان است که بعضی را وادار به اتخاذ جنبه افراطی نموده است که می‌گویند باید به کلی لغات بیگانه را از فارسی دور ساخت. (هرچند این قسمت به واسطه تسلسل مطالب قدری از مبحث اصلی منحرف گردید لکن روی هم‌رفته مؤلف را نسبت به درج یک عده لغات اروپایی در این فرهنگ تبرئه می‌نماید.)

۱. مؤلف در همین فرهنگ نیز بعضی از این لغات را درج نموده است متبھی نه از روی عقیده بلکه تا مردم چه قسم تلقی کنند و تا چه اندازه پسندند.

## مزایای این فرهنگ

فرهنگ فارسی به انگلیسی قبل از این تاریخ نیز توسط اشخاص دیگر تألیف شده بود و این فرهنگ هم اگر به واسطه مزایای آن نبود چندان جلوه و ضرورتی نداشت. مزایای مزبور قطع نظر از جامعیت که به نوبه ختود جائز بسی اهمیت است عبارت از سه چیز است:

نخست رعایت نکات دستوری یا صرف و نحوی که در صحت و اعتبار هر فرهنگی مدخلیت و تأثیر کامل دارد، چه حقاً می‌توان گفت سرمایه اصلی هر لغت‌نویسن، تخصص در دستور زبان است و مراجعه‌کنندگان به فرهنگ وقتی از آن استفاده کامل می‌کنند که بدانند فلان کلمه اسم است یا صفت یا فلان فعل متعدی است یا لازم و از این رو مورد استعمال آن برای آنها معلوم گردد.

دوم ایراد مثال‌های فراوان است که مؤید فهمیدن طرز استعمال لغات فارسی است مخصوصاً ترجمه‌های انگلیسی که برای غالب مثال‌های مزبور نوشته شده کمک بزرگی برای مترجمین خواهد بود.

سوم بحث لغات است از جنبه علمی و فنی زیرا از چند سال به این طرف اصطلاحات زیادی در رشته‌های علمی بخصوص طبیعیات و گیاه‌شناسی و ریاضیات و غیره توسط اشخاصی که دارای صلاحیت بوده‌اند وضع و در کتب مختلفه علمی ثبت شده است. پیدا کردن این اصطلاحات با تفحص کتاب‌ها و منابع علمی قدری مشکل ولی مشکل‌تر از آن به دست آوردن اصطلاحات زیادی بود که فقط در اقواء استادان صنعت و ارباب حرف مثل نجار و بنا و آهنگر و غیره جاری است و شرح چگونگی آن موجب درازی سخن خواهد شد.

## اعتراف و عذرخواهی

فرهنگ اصولاً باید حاوی کلیه لغاتی باشد که در زبان جاری یک ملت و همچنین در ادبیات قدیم و جدید آن ملت به کار برده شده است. ولی ادبیات فارسی در معنای بسط خود فی‌المثل دریای محیطی است که هیچ فردی به قعر آن پی نبرده و کرانه‌های آن را نظاره نکرده است. بنابراین مؤلف با اعتراف به افتادگی‌های این فرهنگ از عموم مراجعه‌کنندگان پوزش خواسته امیدوار است زبان‌دان‌ها و ارباب‌قلم از این تقیصه و همچنین از اشتباهات دیگر آن که پاره‌ای در ضمن طبع و قسمتی در نتیجه تنهایی و بی‌کنکی پیدا شده چشم ببوشند یا اگر قصد اصلاح دارند نگذارند لحن عیب‌جویی و خرده‌گیری در نظر اصلاح‌طلبانه ایشان نفوذ کند تا اگر خواست خدا باشد در چاپ‌های بعد اصلاحات لازمه به عمل آید.

## تشکر

در پایان این مقوله مؤلف وظیفه اخلاقی خود می‌داند که از کلیه دوستان و آشنایانی که به‌طور غیرمستقیم از بذل مساعدت با او دریغ نفرموده و معانی مناسبی برای بعضی لغات فارسی گفتند یا عقایدی اظهار داشتند قلباً تشکر نماید و خود را رهین منت ایشان بداند.

## سلیمان حییم

سلیمان حییم فرهنگ‌نویس، مترجم، نویسنده، نمایشنامه‌نویس، شاعر و نوازندهٔ تار بود. او را به عنوان پدر راستین فرهنگ دوزبانه و از خادمان واقعی فرهنگ ایران در قرن بیستم نامیده‌اند.

وی در سال ۱۲۶۶ شمسی در تهران به دنیا آمد. پدر و مادر او در اصل از یهودیان شیراز بودند. تحصیلات خود را در یک مکتب‌خانهٔ سنتی آغاز کرد و سپس در آموزشگاهی متعلق به مبلغان مسیحی ادامهٔ تحصیل داد و در نوزده‌سالگی وارد کالج امریکایی تهران (البرز فعلی) شد.

در ۱۳۰۱، به سمت مترجم در وزارت مالیه به کار پرداخت. در ۱۳۰۲ ازدواج کرد که حاصل آن شش فرزند (چهار دختر و دو پسر) بود. در ۱۳۱۰ به استخدام «شرکت نفت ایران و انگلیس» درآمد و به زیاست دارالترجمهٔ شرکت منصوب شد. از اواسط دههٔ ۱۳۳۰ ریاست ادارهٔ خرید شرکت نفت به او محول شد که چندان دوام نیاورد و از این سمت استعفا کرد و به دنبال آن بازنشسته شد.

سلیمان حییم در اواخر دههٔ قرن چهاردهم هجری شمسی (سال ۱۳۰۸) به انتشار اولین فرهنگ خود، فرهنگ جامع انگلیسی - فارسی، دست زد و بعد از آن کار فرهنگ‌نویسی را با جدیت و مداومت تا آخر عمر ادامه داد. ناشر آثار وی «کتاب‌فروشی یهودا بروخیم و پسران» بود که به دقت نظر و وسواس‌های مؤلف احترام می‌گذارد و حروف چینی و چاپ فرهنگ‌ها را در بالاترین حد امکانات فنی زمان خود فراهم گردانده بود. فهرست آثار او بدین قرار است:

- فرهنگ بزرگ انگلیسی - فارسی (دو جلد)
- فرهنگ بزرگ فارسی - انگلیسی (دو جلد)
- فرهنگ یک جلدی انگلیسی - فارسی
- فرهنگ یک جلدی فارسی - انگلیسی
- فرهنگ انگلیسی - فارسی کوچک
- فرهنگ فارسی - انگلیسی کوچک
- فرهنگ فرانسه - فارسی کوچک
- فرهنگ عبری - فارسی
- امثال فارسی به انگلیسی
- آخرین معشوقهٔ سلطان عبدالحمید (ترجمه)

نمایشنامه‌ها:

یوسف و زلیخا؛ استر و مردخای؛ روت و نعومی؛ خشایارشا؛ جوان بدمست

از آثار منتشر نشده او: «فرهنگ فارسی - عبری»

عمر پربار سلیمان حمیم که به مدت نیم قرن صادقانه و به دور از هرگونه تظاهر، در راه اعتلای ادب و فرهنگ ایران زمین کوشیده بود، در ۲۵ بهمن ماه سال ۱۳۲۸ شمسی به پایان رسید و پیکر او در آرامگاه یهودیان تهران به خاک سپرده شد.

حمیم از بزرگترین و بی‌سروصداترین دانشمندان معاصر ایران بود و خدمتی که به جامعه ادب ایران کرده است فراموش نشدنی است. کریم امامی گفته است:

اولین حسی که از مرور فرهنگ‌های آن زنده‌یاد به انسان دست می‌دهد، حس احترام است برای بزرگی کاری که یکنه انجام داده، برای دقت حیرت‌انگیزی که صرف کار می‌کرده و برای عشقی که به کار خود داشته. همه این نکته‌ها را می‌توانیم در خود فرهنگ‌ها مشاهده کنیم و حتماً لزومی ندارد که شرح حال مؤلف را بخوانیم یا روایاتی از کمالات او را از قول شاهدان عینی بشنویم تا بدانیم.

مانیز در واحد پژوهش فرهنگ معاصر یادش را گرامی می‌داریم و سپاس خود را صمیمانه نثارش می‌کنیم.  
روانش شادا